

سه‌شنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۰ • ۲۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ • ۲۰ نوامبر ۲۰۲۱

اخبار

توسط نشر دهکده هوسم؛

تاریخ مخفی جنگ جهانی اول
چاپ شد

کتاب «تاریخ مخفی علل پنهانی جنگ جهانی اول» نوشته جری دوکرتی و جیم مک‌گرگور به‌تازگی با ترجمه مصطفی آقایی توسط نشر دهکده هوسم منتشر و راهی بازار نشر شده است. نسخه اصلی این‌کتاب سال ۲۰۱۳ منتشر شده است.

این‌کتاب دربرگیرنده تاریخ رویدادهایی است که طی دو دهه پیش از شروع جنگ جهانی اول رخ داده، و روابط قدرت‌های اروپایی را شکل دادند. این‌اتفاقات به زعم نویسندگان کتاب، زمینه‌های جنگ اول را فراهم آوردند. اکثر منابع تاریخی، جنگ جهانی اول را انفجاری گریزن‌ناپذیر در انبار باروت استعمارگری و توسعه‌طلبی دولت‌های اروپایی جلوه داده‌اند که بیش از هرچیز نتیجه بلندپروازی آلمان بوده است. اما کتاب پیش‌رو نشان می‌دهد باروت و جرقه‌ای در کار نبوده است. بلکه اجتماعی پنهانی از اشراف و بانکداران بریتانیایی در کار بوده که توسط شبکه‌ای از انجمن‌های سری و دولتمردان وابسته، دهه‌ها برای برافروختن آتش این‌جنگ تلاش کرده‌اند.

صحنه‌گردانی جنگ جهانی اول توسط انجمن‌های مخفی انجام شد؛ انجمن‌های سری، هم‌چون اخوت جهانی یسوعیان یا فراماسون‌ها که از گروه کوچکی از برگزیدگان مقرب و گروه بسیار بزرگ‌تری از همکاران کمابیش نامحرم تشکیل می‌شوند. گروه دوم برای برآوردن خواسته برگزیدگان با سازمان همکاری می‌کند اما درباره اهداف این‌سازمان چیزی نمی‌داند. در دنیای ناهان‌خانه‌های اشرافی و انجمن‌های سری، برای جهت‌دهی به یک‌سازمان دولتی و هدایت مهم‌ترین تصمیماتش، کنترل کسر کوچکی از مناصب کلیدی آن سازمان کافی است.

کتاب «تاریخ مخفی علل پنهانی جنگ

جهانی اول»، ۲۷ فصل اصلی، یک‌نتیجه‌گیری و ۲ ضمیمه دارد. عناوین ۲۷ فصل کتاب، به‌ترتیب عبارت است از:

«انجمن سری»، «آفریقای جنوبی؛ بی‌اعتنایی به جیع‌جیوه‌ها»، «طوطه ادوارد؛ گام‌های نخستین و سراغ‌زهای نو»، «دل-زدن به دریاهای خروشان»، «رام-کردن خرس»، «تغییر نگهبان»، «۱۹۰۶؛ پیروزی قاطع استمرار»، «الکساندر ایزولسکی؛ قهرمان و اهریمن»، «دغل‌بازی‌ها و رسوایی‌ها»، «هراس آفرینی»، «آماده‌سازی امپراتوری؛ آلفرد مینلز و میز گرد»، «ختر خیزان را چون موم در مُشت گیر»، «افسانه‌های مراکش؛ فاس و آگادیر»، «چرچیل و هالددین؛ زمان خریدن و دروغ‌گفتن»، «آکادمی رابرست»، «پوناکاره؛ مردی که خریداری شده»، «امریکا؛ رابطه‌ای بسیار ویژه»، «دیک زودیز پالکان ۱۳_۱۹۱۲»، «از بالمورال تا بالکان، «سارایوو؛ تار عنکبوت تقصیر»، «ژوئیه ۱۹۱۴؛ فریب، صحنه‌گردانی و کژنمایی»، «ژوئیه ۱۹۱۴؛ راهبردی اروپا به لبه پرتگاه»، «ژوئیه ۱۹۱۴؛ نخستین بسیج‌ها»، «ژوئیه ۱۹۱۴؛ زمان‌خریدن و مضحکه میناجیگری»، «ایلرند؛ طرح جایگزین»، «اوت ۱۹۱۴؛ در باب بی‌طرفی و عمل خصمانه» و «نطقی که به بهای جان یک میلیون انسان تمام شد». نتیجه‌گیری کتاب هم، «دروغ‌ها، افسانه‌ها و تاریخ مسروقه» عنوان دارد. ضمیمه‌های اول و دوم کتاب هم به‌ترتیب «کنترل مخفی و اتصالات نخبان پنهان (۱۸۹۱_۱۹۱۴)» و «باریگران کلیدی» عنوان دارند.

در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم:

این درست همان پاسخی بود که نخبان پنهان امید داشتند از اتریشی‌ها بگیرند. اکنون چالش‌شان عبارت بود از تشویق سیاستمداران کلیدی در اتریش-مجارستان به واکنش زیاده شیدید، بی‌آن‌که بفهمند به رویارویی بزرگ‌تری گام می‌نهند.

طرف چند روز، سیم‌های تلگراف از دسیسه‌های دیپلماتیک داغ شد. حتی پیش از یکسپاری ناخجسته ارشدوک، سفیر بلژیک به برلین تاونست به بروکسل گزارش دهد که حکومت اتریش از صربستان مطالبه خواهد کرد که تحقیقاتی در باب این ترور راه بیندازد و به افسران پلیس اتریش-مجارستان اجازه دهد در آن شرکت کنند. سفیر افزود:

حکومت پاشیچ، که عمدا بر شیوع پروپاگاندای آناشیتس‌ها در بلگراد چشم فرو بسته بود، نباید شگفت‌زده شود که ناچار است علیه اشخاص خاطیِ شتابان گام‌هایی بردارد، نه این‌که باز کورانه با آنان مدارا کند.

پیش از آن که سر ارشدوک را بر بالین نهند، دیپلمات‌ها آشکارا از مقاصد اتریشیان آگاه بودند. این اطلاعات در وزارت‌های خارجه لندن، پاریس و سن پترزبورگ نیز دانسته بود. به‌رغم شگفت‌زدگی ادعایبو تظهار اتریش‌آمیزشان به شوکه‌شدن، عوامل نخبان پنهان از دوم ژوئیه می‌دانستند که اتریش خواستار تحقیقات کامل خواهد شد. در آن مقطع آغازین، سفیر بلژیک آشکارا حیاتی‌ترین پرسش را شناسایی کرد: «آیا صربستان راضی خواهد شد معاونت ماموران پلیس اتریش-مجارستان را بپذیرد؟ اگر بر این‌مینا که نقض حقوق حاکمیت‌ناش است نپذیرد، آیا نزاع به خصومت عریان فرو خواهد غلغید؟» شک نمی‌بایست کرد که فرو می‌غلغید. از آن روزهای آغازین ژوئیه اطلاعات سرنوشت‌سازی در دسترس بود و مواضع کلیدی پیشاپیش در حال شکل‌گرفتن. نخبان پنهان می‌دانستند که آلتی که با آن می‌توانند به‌عمد در شعله‌های آتش بدمند مسئله «حقوق حاکمیت» صربستان است.

این‌کتاب با ۸۰۱ صفحه، شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۱۸۰ هزار تومان منتشر شده است.

حسین کمیلی فعال فرهنگی و تشکیلاتی مشهد در یاداشتی که نوشته تأملاتی در تجربیات و گفتگوهای فعالین شبکه مراکز تولید و توزیع محصولات جبهه فرهنگی انقلاب و شبکه تشکل های تربیت محور مشهد مقدس داشته است.

مشروح متن این‌یادداشت در ادامه می‌آید؛

الف) مقدمات ضروری و مهم:

۱. نو بودن تجربه شبکه سازی در فضای انقلاب اسلامی:

باید دقت داشت که با یک امر جدید در فضای انقلاب اسلامی مواجه هستیم و نباید تصور داشت که این یک اقدام از جنس تجربه های قبلی است. لذا باید گام به گام و اصولی این امر را تجربه کنیم و هر گونه تعجیل، آسیب خواهد داشت. همکاری های دوره انقلاب و دوران حوادثی مثل جنگ و... نیز تفاوت ماهوی با تجربه های تعامل و همکاری در دوران ثبات دارند. نو بودن تجربه ایجاد دیگری هم دارد که در بندهای بعدی روشن تر خواهد شد.

۲. فردگرایی عمیق و ریشه دار در فرهنگ ایران:

جامعه ما یک جامعه فردگراست؛ همه فعالین تشکلی حتماً تجربه های متعددی برای شکل دهی به جمع ها و شبکه ها و نشست های هفتگی و ماهانه تشکلی و... را داشته اند که قریب به اتفاق آنها با شکست مواجه شده است. این یعنی ما بیش از آنکه مستعد جمع شدن باشیم مستعد متفرق شدن هستیم. اثرات سوء همان سوابق شکست خورده قبلی بر ذهن فعالین کافیسثت که ما دقیق تر عمل کنیم. انرژی آزاد شده از وحدت مردم در عرصه سیاسی پس از فتنه سال ۸۸ نباید ما را از این نکات ریشه ای غافل کند. جمع ها باید با دقت تشکیل و مدیریت شوند و الا با اندک اختلافی به هم خواهند خورد. این یک مسأله ریشه دار فرهنگی است و نباید با ملاحظات اخلاقی (کار برای خدا و...) قضیه را ساده کرد. همین خودآگاهی دادن جمع نسبت به این نقیصه فرهنگی خودش کمک کننده است.

۳. مدیریت بر مدیریت ناپذیرها:

شبکه سازی فعالین یعنی شبکه سازی نخبان فرهنگی و اجتماعی در عرصه های مختلف. این کار عملاً مدیریت بر کسانی است که هر کدام خودشان را یلی می دانند و برای خودشان صاحب تجربه و فکر هستند و لذا بسیار سخت است. بی توجهی به این نکته و تصور تجربه تشکل داری و مدیریت موسسه برای کسانی است که می خواهند آغازکننده چنین فعالیت هایی باشند بسیار غلط است و حتماً موجب اِتر شدن تجربه خواهد شد.

۴. رویکرد بالا به پایین یا هم ارز؟

انتخاب رویکرد در شبکه سازی یعنی فهم عمیق و دقیق شبکه سازی. شبکه سازی ساخت بنایی با کمک آدم های هم ارز است؛ ما به طور طبیعی به خاطر نوع تجربه هایمان گرایش به شکل دهی سازمان و سلسله مراتب و اتخاذ رویکرد بالا است. «ساجی» شامل خاطرات نسرين باقرزاده نوشته بهناز ضرابی‌زاده که چاپ پنجم آن، همزمان با سالروز آزادسازی خرمشهر امسال، با طرح بلد و صفحه‌آرایی جدید توسط نشر سوره مهر روانه بازار کتاب شد، دربردارنده خاطرات نسرين باقرزاده است؛ دختری خرمشهری که همراه با همسرش بهمن باقری زندگی خوبی در شهرش داشته و هرگز فکر نمی‌کرده جنگ وارد خانه‌اش شود. اما به ناگاه با شروع جنگ معادله‌هایش به هم می‌ریزد. باقرزاده روزهای ابتدایی جنگ را در خرمشهر سری می‌کند، سپس مجبور به ترک خرمشهر می‌شود و همراه دیگر زنان خانواده به شیراز می‌رود، ولی مردها در خرمشهر می‌مانند و از شهر حفاظت می‌کنند.

روایت این‌کتاب را باید روایت زندگی در روزهای جنگ نامید؛ روایتی که در آن تصویری متفاوت از حضور زنان در جنگ و همراهی آنان پاپله‌های مردانشان ارائه شده است. «ساجی» از پیش از آغاز جنگ و سال‌های کودکی راوی آغاز می‌شود و با آغاز جنگ اوج می‌گیرد و روایتی تازه و زنده از مقاومت در خرمشهر و دفاع مقدس پیش روی مخاطب می‌گذارد. بهناز ضرابی‌زاده نویسنده این کتاب، پیش‌تر آثاری چون «دختر شینا» و «گلستان یازدهم» را در کارنامه ثبت کرده و این‌بار سراغ یکی از زنان خرمشهری رفته و روایت او از روزهای جنگ و دفاع را برای مخاطب تدوین و تالیف کرده که در آن تصویری دیده نشده از زندگی زیر خیمه‌اره و آتش به نمایش درآمده است. تاکنون دو ترجمه به زبان‌های انگلیسی و عربی از این کتاب منتشر شده تا مخاطبان این دو زبان نیز از خاطرات دختری ایرانی که در گیرودار جنگ زندگی را ادامه داده و کم نیابورده باخبر شوند. کِیاونوش نورشاهی از علاقه‌مندان و پژوهشگران حوزه کتاب و ادبیات دفاع مقدس، در یادداشتی به معرفی و مرور این‌کتاب پرداخته است.

مشروح متن این‌یادداشت در ادامه می‌آید:

قصه غم که شیرین نمی‌شود، حتی اگر آن را از زبان گرم و گیرای نسرين‌بانوی جنوبی همسر شهید بهمن باقری بشنويم، داستان «ساجی» به قلم بهناز ضرابی‌زاده با رنج، بیماری و آوارگی در دوران



به پایین داریم، اتفاقاً مخاطب هم به همین گرایش دارد؛ یعنی توقعش بعد از تشکیل هم این است که کسی تعیین کند و بگوید که چه کار باید بشود! اما این قطعاً منجر به تشکیل شبکه نخواهد شد. لذا این هم نشان دهنده سختی کار است. هر چند از ظرفیت کاریزمایی، می توان استفاده هایی نمود که در ادامه اشاره خواهد شد. جمع حتماً باید به تدریج احساس نماید که تصمیم گیرنده است و نظر او تعیین کننده است و اگر فکر نکند و ایده ای نداشته باشد، کسی نیست که به جای او فکر کند. هر گونه تعریفی برای اهداف، کارکردها و حتی زمان جلسات و دوره تکرار جلسات و محتوای جلسات و... باید حتماً در جمع به تصمیم برسد (لااقل در بدو تشکیل).

ب) نکات کلیدی در نحوه شکل گیری شبکه:

۱. جمع اولیه شبکه باید حتماً شامل اصلی ترین، و قدیمی ترین فعالین آن حوزه در منطقه مورد نظر برای شکل گیری آن شبکه (شهری، استانی یا ملی) باشد. نمی توان انتظار داشت که چند مرکز جدیدالتأسیس در یک حوزه خاص بتوانند قدیمی ها را جمع کنند؛ یعنی عملاً شبکه سازی باید از فعالین قدیمی و باسابقه و موفق آن حوزه شروع شود و راه دیگری ندارد. اضافه شدن قدیمی ها در ادامه کار، امریست که بسیار دشوار است؛ چون نحوه برخورد با آن مرکز را در سطح یک مرکز جدید، تقلیل داده ایم. این سخت ترین قدم در شکل دهی شبکه است و نیاز به طراحی و تدبیر دارد.

۲. جمع اولیه باید حتی المقدور همگن و هم سطح باشد؛ یعنی مثلاً تشکل های با بیش از ۱۰ سال سابقه مینا قرار بگیرند و همانها بشوند جمع اولیه، نه اینکه هر کسی امروز در آن حوزه فعال است بدون در نظر گرفتن سابقه و تجاربشان، دعوت شوند؛ چون مسائل و دغدغه های مربوط به مرحله رشد تشکل ها و موسسات یا هم فرق دارد. دعوت از مراکز جدیدتر، در مراحل بعدی صورت می گیرد. وقت نمایید که چه بسا از حیث انگیزه

معرفی کتاب:

«ساجی»؛ روایتی از نبرد عشق و جنون

شیوع تیفوس آغاز می‌شود. تا دوره ویرانی‌های جنگ جهانی دوم ادامه می‌یابد و با پایان این جنگ می‌رسد به آغاز فصل آرامش، ششیدن مرز زندگی، حکایت کودکان‌ها و جست و خیزهای جدید شیرینش، عروسی‌ها و مهمانی‌های شاد و رنگارنگ و... اما گویی آرامش پایی گریزان دارد از این زندگی. در اوج شادی و فراغت کودکانه امواج درد پدر نسرين ۸ ساله را از او می‌رباید. نسرين که پدر را عاشقانه دوست دارد به شدت آزرده و افسرده می‌شود. اما با وجود سن کمش حرارت عشقی پاک دلش را گرم می‌کند.

با آغاز عشق بهمن و نسرين عطر نفسی تازه در قصه می‌پیچد و شادمانی‌های هر چند کوتاه داستان آغاز می‌شود تا او در شانزده سالگی‌اش به وصل بهمن می‌رسد. آن روز صبح که چشمانش را گشود خانه پر بود از شور و حرارت رفت‌وآمدها. ریس‌ها و چراغانی‌های حیات و بوی گلاب و نقل و شیرینی برایش نوید وصل را به ارمان‌ها آورده بود. اینجاست که دلت می‌خواهد کتاب را ببندی و قصه همین‌جا تمام شود تا نسرين همیشه در کنار شوهر و بچه‌هایش به خوبی و خوشی زندگی کند و این چه شیرین سرنوشتی بود برای نسرين اما اینطور نمی‌شود.

قصه با دهمین شیرور جنگ ایران و عراق رنگ دیگری می‌گیرد. از اینجا به بعد خواننده چندین فصل را همیای نسرين و بهمن یک نفس زیر آتش موشک و خمپاره، بوی خون و ضجه‌های زنان و کودکان می‌دود. در ادامه با سختی‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی آنها که گاه بسی نفس‌گیر است، همراه می‌شود. اتفاقاً ضرابی‌زاده، که تبحر حوادث ابتدایی قصه را سلسله‌وار بیان می‌کند و از آنها سریع می‌گذرد، در این مقطع با طمأنیه بیشتری از قبل داستان را پیش می‌برد و هنرمندانه مخاطب را با خود می‌کشد تا دل جنگ و گریزها و دربه‌دری‌های نسرين و خانواده‌اش.

چنانچان در این میان جریان ممتد عشق بین نسرين و بهمن می‌شود چاشنی شیرین این قصه تلخ. تلخی قصه مشهود است ولی عاشقانه‌ها، پایمردی‌ها و مقاومت‌ها با انرژی رموزی خواننده را با خود

«چرا نباید شکسته بنویسیم؟»

حال و مجال مطالعه و توجه طولانی را ندارند با خواندن این نوشتار کوتاه، برای این پرسش که چرا نباید شکسته نوشت پاسخ می‌بایند.

یک – فارسی‌زبانان لهجه‌های مختلفی دارند که در صورت گفتاری‌شان از زیبایی‌های زبان فارسی و جزء فرهنگ ایرانی هستند. شکسته‌نویسی یا گفتاری‌نویسی نوشتن با این لهجه‌ها ترک زبان رسمی و رابط است. پس وقتی سخن در قالب لهجه‌ها و گفتار به صورت نوشتار درمی‌آید، ارتباط حاملان لهجه‌های مختلف که از طرق فارسی رسمی است تضعیف می‌شود و به‌مرور از میان می‌رود.

دو – با این تغییر اساسی در نوشتن، در اثر مرور زمان ارتباط بین‌نسلی فارسی‌زبانان آسیب می‌بیند و چند نسل که بگذرد برای نسل‌های آینده فهم زبان نوشتار نسل قبل مشکل خواهد شد. سه – آنچه باعث شده است زبان فارسی در دری در بیش از هزار سال گذشته محفوظ بماند و حامل فرهنگ باشد وجود یک صورت رسمی در کنار گویش‌های مختلف است؛ آن‌گونه که وقتی از فارسی دری سخن گفته می‌شود، مقصود صورت

اخبار

روزنامه‌صبح ایران

شماره ۳۳۱۲

نکات کلیدی در شبکه‌سازی تشکل‌ها و فعالان فرهنگی و اجتماعی

واسطه تشکل شبکه ایجاد می شود و... می تواند فضای اخلاقی کار را به نحوی پیش ببرد که با جمعی شکل نگیرد یا عملاً بسیاری از مراکز در جمعی که شکل می گیرد حضور پیدا نکنند؛ که این شکست است. بهتر است در بدو کار، با نظر خود جمع، یک صفحه «مramانه» برای آن شبکه تهیه شود؛ دعای مکارم الاخلاق امام سجاد(علیه السلام) می تواند مبنای تنظیم بخش های اخلاقی mramانه باشد.

۵. بهتر است ساختار شکل دهی جمع اولیه به تدریج شامل سه جزء بشود؛ یک «محور»، یک «مدیر» و یک «دبیر».

محور، فردی است که از وجاهت عمومی تری نسبت به بقیه برخوردار است و اسم و حضور او می تواند عامل حضور سایر فعالین قدیمی در آن حوزه بشود. این فرد الزماً قدیمی ترین مرکز نیست؛ چون روحیات فرد اهمیت دارد. فرد باید روحیه حضور و امید و تعامل و سعه صدر را داشته باشد؛ بهتر است اهل فکر نیز باشد و عملاً مرجع مشاوره سایر مراکز باشد. در برخی حوزه ها مثل فعالیت های تربیتی می تواند یک استاد باشد که البته خودش در وسط گود تجربه نیز باشد و تشکل داشته باشد یا پشتوانه فکری یک تشکل باشد و... نه یک استاد دانشگاه و حوزه که کاملاً مجزا از فعالیت ها باشد. فقط حضور و اسم این فرد است که موضوعیتی دارد و نباید نقش کاریزمایی پررنگی را در جلسات ایفا نماید. محور نباید بخش قابل توجهی از جلسه را صحبت و اظهار نظر نماید و عملاً جا را برای سایر مراکز تنگ نماید (این نکته بسیار مهم است و فرد باید حتماً توجهیه شود). نباید افراد تصور کنند به یک کلاس آمده اند. محور، حرف آخر را نمی زند. محور باید به طور نسبی پیش‌روی و رهبری را داشته باشد و مراقب باشد اختلافات بیجا بروز نکنند؛ از دعوت نشدن و روحیه حذف مراکز جلوگیری نماید و... مدیر، فردی است از اعضای کارگروه که خودش مسئول یک مرکز است و عملاً توان تعامل و ارتباط و فرصت بهتری نسبت به بقیه داشته باشد. تعیین زمان و مکان و مدیریت جلسات، ارتباط تلفنی و ایمیلی و... با اعضا، پیگیری خاص افرادی که بدقلق تر هستند و... از وظایف این فرد است. بهتر است این فرد با نظر جمع تعیین شود. دبیر، فردی است که باید فراغت نسبی داشته باشد، لذا حتماً نباید از مسئولین تشکل‌ها باشد؛ بهتر است از اعضای منظم و پیگیر خود تشکل‌ها موسسات باشد که کار و فضای کار را تا حدی بشناسند، به شرطی که مشغله‌های اجرایی زیادی نداشته باشد. جنس کار دبیر کاملاً اجرائی است و نقش اثرگذار در کشاندن افراد و تعیین محتوا و نحوه تعامل و... ندارد. دبیر موظف است که کارهای اجرایی مدیر را انجام بدهد. اگر شناسایی مرکز جدید و جلسه گفتگو طرح و بحث و انگیزش او بر عهده مدیر است، کار ارسال ایمیل و... به وی بر عهده دبیر است.

ویژه‌برنامه‌های سازمان فرهنگی هنری به مناسبت ۱۳ آبان

سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران ویژه‌برنامه‌هایی را به مناسبت گرامیداشت روز ۱۳ آبان و سالروز تسخیر لانه جاسوسی با عنوان «فرزندان ایرانیم» برگزار می‌کند.
به گزارش امتیاز، به مناسبت گرامیداشت روز ۱۳ آبان و سالروز تسخیر لانه جاسوسی، سازمان فرهنگی هنری ویژه‌برنامه‌هایی به عنوان «فرزندان ایرانیم» با هدف تقویت روحیه استکبارستیزی بین نوجوانان و جوانان،برگزار می‌کند.

همزمان با روز دانش‌آموز در مقابل لانه جاسوسی فرهنگ‌سرای مقاومت در خیابان طالقانی برپا می‌شود. در این فرهنگ‌سرا برنامه‌های متنوع فرهنگی برگزار و محصولات فرهنگی بین مخاطبان توزیع می‌شود. آنچه در فرهنگ‌سرای مقاومت مورد تاکید ویژه است استکبار ستیزی و تاکید بر جنبه‌های مقاومت و همچنین زنده نگه‌داشتن رخدادهای مهم تاریخ انقلاب اسلامی در اذهان عمومی، شناساندن انقلاب اسلامی به عنوان یک ملت استکبار ستیز و به همه قدرت‌های شیطانی و حمایت از ملت‌های عدالت‌خواه جهان است.

فرهنگ‌سرای مقاومت در ۱۲ بخش تشکیل شده است که از جمله آن می‌توان به نمایشگاه کتاب، نمایشگاه کاریکاتور با موضوع استکبار ستیزی، هم‌عهدی با شهدای دانش آموز، عکاسی هنر مقاومت، گرم و توزیع پرچم، گزارشگر انقلاب، مسابقه گوی و میدان، رهایی بادکنک به رنگ پرچم، اشاره کرد.

مسابقه ادبی «از فهمیده تا لندی» با مشارکت کانون‌های ادبی مناطق ۲۲گانه شهر تهران برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند از اول تا پایان آبان آثار ادبی خود با محوریت دانش‌آموزان شهید به خصوص حسین فهمیده و علی لندی در قالب دل‌نوشته در فضای مجازی به شماره تماس ۰۹۰۲۵۶۶۰۹۴۵ ارسال کنند و تمامی آثار ارسال شده پس از پایان مهلت ارسال، داوری شده و به هر یک از ۱۰ اثر برتر این مسابقه مبلغ ۱۰ میلیون ریال و به ۲۰ اثر شایسته تقدیر مبلغ ۴ میلیون ریال اهدا خواهد شد.

کمیک موشن «چهل سردار» با موضوع شهید لندی تولید و در فضای مجازی منتشر می‌شود.

همچنین تمامی مراکز فرهنگی هنری مناطق ۲۲ گانه به مناسبت روز دانش‌آموز و تسخیر لانه جاسوسی، برنامه‌های متنوع تولید و در فضای مجازی منتشر می‌کنند.

محمد جعفری اقدم:

مسئولان دیگر اجازه آزمون و خطا ندارند

حاضران ایرانی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت درباره حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت با توجه به شرایط کنونی و نقدهایی که درباره این حضور وجود دارد و هدفمند شدن حضور ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی نوشته است: «نمایشگاه کتاب فرانکفورت به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رویداد بین‌المللی در حوزه نشر و کتاب محمل مهمی برای اعلام موجودیت در عرصه بین‌المللی نشر و اقتصاد نشر است. هر صنعت نشر بومی برای حضور و بروز در عرصه بین‌الملل لاجرم به شرکت فعال و هدفمند و نتیجه‌محور در این رویداد بین‌المللی است. نمایشگاه کتاب فرانکفورت نه تنها آورده‌گامی حوزه عرضه و معرفی قابلیت‌ها، دانش‌ها و توان‌های حوزه نشر کشوراست، بلکه بازاری فعال برای تعریف و هدف‌گذاری مرادوات، تعاملات و تبادلات در حوزه کپی‌رایت و دیگر همکاری‌های مشترک فی‌مابین کپی‌رایت و عوامل نشر، بویژه ناشران و آژانس‌های ادبی است.حضور هدفمند در این عرصه مهم نیازمند مقدمات و موخرات و آشنایی با قواعد و ادبیات حضور و ورود در حوزه اقتصاد نشر جهانی است. عدم آشنایی با شیوه و ساز و کار حضور در این اتفاق و فرصت و امکان مهم فرهنگی جزو رنج سفر و فرصت‌سوزی‌ها نتیجه‌چندانی را عاید توسعه نشر کشورها در بازارهای بین‌المللی نشر نخواهد کرد.نشر ایران با برخورداری از قابلیت‌ها و دانش‌ها و غنا در محتوا، بهانه‌ها ادبیات کودک و نوجوان، مطالعات علم‌آه و سوانه و مطالعات اسلامی و ادبیات دفاع مقدس و پایداری برای ورود و حضور در بازارهای بین‌المللی نشر و توسعه اقتصاد نشر داخلی لاجرم به شرکت فعال و حرفه‌ای در نمایشگاه کتاب فرانکفورت است.دیگر بعد از ۲۰ سال حضور در این رویداد مهم متولیان امور و شرکت‌کنندگان در آن اجازه آزمون و خطا ندارند. حالا باید به این باور برسیم که شرکت در رویداد مهمی همچون نمایشگاه کتاب فرانکفورت، که هزینه نسبتاً قابل توجهی را می‌طلبد، آداب و قواعد دارد. امسال نمایشگاه فرانکفورت با ظرفیت کمتر از یک‌سوم ظرفیت سال‌های قبل برگزار شد. از این‌رو کشورهای شرکت‌کننده، از جمله ایران با محدودیت‌های زیادی برای شرکت در نمایشگاه روبه‌رو بودند. این محدودیت‌ها شامل نفرات شرکت‌کننده، محصولات و کتاب‌های قابل عرضه در نمایشگاه، برگزاری رویدادهای فرهنگی و ادبی، و ملاقات و مذاکره با طرف‌های خارجی می‌شد. فضای اختصاص داده‌شده ایران در این رویداد امسال ۴۰ متر بود و تعداد شرکت‌کنندگان حدود ۱۰ نفر که از این ۱۰ نفر سه آژانس ادبی و سه تشکل نشر اجازه و فرصت حضور در غرفه ایران پیدا کردند. ضمناً رایزنی فرهنگی ایران در آلمان نیز حضور خوبی در غرفه امسال داشت و توانست چند برنامه فرهنگی را هر چند مختصر، در محل غرفه برگزار کند. در غرفه امسال ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت که به همت و حمایت و مساعی موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد، علی‌رغم عدم برخورداری از غرفه‌آرایی زیبا و در شان نام ایران فعالیت‌های نسبتاً قابل قبولی صورت گرفت که امید می‌رود خروجی‌های مثبتی در راستای توسعه نشر ایران در جهان در پی داشته باشد.